

نبرد مشاوره در عرصه

هانیه ملکی

مقدمه

«آرامش و تعادل» آرزوی همگانی در حیات انسان‌هاست و بی‌تردید بهای آن بسیار است. انتهای آرامش در زندگی را کسانی می‌فهمند که تناسب بین امور گوناگون را درک کرده باشند. خیلی از چیزها، ریشه‌ای و بی‌بدیل هستند، لکن به دلیل هیمنه و سیطره‌ای که دارند، به چشم نمی‌آیند. بدون شک توازن در امور و آرامش در اضلاع و ابعاد زندگی از جمله آن‌هاست. ضمن تقدیر و تمجید این نعمت عظمی، تصدیق می‌کنیم که گاهی نداشتن آرامش و بهم‌ریختن تعادل، هم ممکن و هم گریزناپذیر است.

مشاور و خدمات مشاوره‌ای برای چنین وضع احتمالی نیز باید پیش‌بینی‌هایی داشته باشد. با یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان دو نوع مشاوره قائل شد: «مشاوره در عرصه بدون تنش» و «مشاوره در عرصه نبرد». در مشاوره نوع دوم نیز باید خود را در حال نبرد محاسبه کند. نبرد نه به این معنا که سلاح به‌دست گیرد، بلکه

به این معنا که به سلاح به‌دستان یاری رساند. عرصه نبرد محل بروز و ظهور نقش‌های متکثر است. پیروزی در نبرد وقتی حاصل می‌آید که همه در حال نبرد باشند؛ مخصوصاً زمانی که بی‌رحمی و بی‌دینی دشمن محرز شده باشد.

ای همه مشاوران عزیز و مراجعان احتمالی

این حقیقت را بدانید که اکنون ایران اسلامی در حال نبرد با بی‌رحمی‌ها، بی‌دینی‌ها و حیوان‌صفتی است. از سوی این اردوی ظلم گستر صهیونی جنگ دیگری بر ما تحمیل شد. جنگ تحمیلی اول را بعثیون عراق به‌وجود آوردند و دومی را شیطان بزرگ با نیروهای نیابتی خاورمیانه‌ای‌اش به‌زور ایجاد کرده است. به‌خاطر داریم که در نخستین جنگ تحمیلی، مشاوران دلسوز و وطن‌دوست همراه رزمنده‌های عزیز حامی جامعه جنگ‌زده و مردم غم‌زده بودند و نیروی ایمان و آرامش روحی را با بهره‌گیری در قواعد مشاوره زنده نگه‌می‌داشتند. فراموش نکنیم که گاهی یک مشاوره همراه با ایمان، مزه‌هایی را در وجود انسان‌های ملول و غمگین احیا می‌کند که هیچ طبیبی نمی‌تواند.

گاهی عناصر در حال احتضار وجود یک مراجع زخمی و غمین جز با فهم متقابل با محضران روحی و فکری زنده نمی‌شوند؛ زیرا که این عرصه،

میدان تفاهم‌ها و تضادهاست، نه میدان طبابت‌های مرسوم. زخم جسم صراحت آشکار دارد، لکن زخم روح و روان، رنجوری مجهول. مشاور آگاه و متعهد می‌تواند کاشف زخم‌های مجهول باشد و فرد یا افرادی را از مرگ شخصیت نجات دهد.

ما اکنون به‌دلیل تحمیل شرایط خاص ازسوی دشمن، در وضع «خردطلبانه مهیا» قرار داریم. عقل و خرد ما را به‌آمدگی دائمی فرا می‌خواند و احساس و عواطف نیز دعوت‌نامه‌ی آمادگی امضا می‌کند؛ دعوت‌های مدام و امضاهای مستمر؛ دعوت به حکم عقل و امضا به تأیید احساس و عواطف پاک. اکنون در شرایطی هستیم که به‌دلیل مواضع غیرقابل تغییر، به‌سبب باورها، اعتقادات و مواضع متغیر، باعنایت به موقعیت‌ها و عرصه‌ی دیپلماسی، به‌آمدگی و هوشمندی عمومی نیاز داریم.

لازم است مشاور با دانش، تعهد و مهارتش، معلم با شایستگی‌های اصلی و اسیلش، مدیر با اداره‌ی امور دلسوزانه و عالمانه‌اش و استاد دانشگاه با درایت علمی و مربیگری دائمی‌اش، و هرکس دیگری با حرفه و شغلی که در اختیار دارد، همه و همه یار یکدیگر و معین کشور باشند و به عبور از شرایط حاضر یاری رسانند.

اکنون این پرسش قابل طرح است که مشاوران در مدرسه‌های کشور چه رسالتی بردوش دارند؟ رسالت همیشگی آنان کمک به مراجعانی است که برای استمداد روحی، روانی و تربیتی به آنان مراجعه می‌کنند. معلمان و دانش‌آموزان و حتی والدین آنان را باید اقشار خاص به‌حساب آورد که نقش تربیتی تعادلی و تکمیلی دارند. اگر این سه گروه از جایگاه خود آگاه باشند و به اهمیت ارتباطات بین‌گروهی خود پی‌ببرند رویدادهای زیبای تربیتی رخ می‌دهند. مشاور مدرسه صرفاً با نگاه فردگرایانه و موردی نمی‌تواند به

سلامت ساختاری مدرسه کمک کند، بلکه با رویکرد جامعه‌گرایانه و شبکه‌ای قادر خواهد بود به تقویت و تکمیل سلامت و سرور در مدرسه یاری رساند.

نقش دیگر مشاور رصدکردن مسئله‌ها و آسیب‌هاست. ممکن است افراد غیرمتخصص به‌عنوان تماشاچی به جزرومد دریای اجتماع بنگرند و با تحیر بپرسند: چه خبر است؟ لیکن متخصص و مشاور صاحب بصیرت حقایقی در بطن تکاپوهای امواج دریای جامعه دانش‌آموزی دریافت می‌دارد و خود را باعنایت به آن‌ها تنظیم می‌کند. لازمه‌ی این بصیرت آگاهی از مسئله‌ها و مصائب است. به‌نظر می‌رسد مشاور به‌طور خاص در شرایط نبرد نباید خود را آسوده و بدون تکلیف به‌حساب آورد. او در برابر مسئله‌های روحی و روانی

“

عقل و خرد ما را به‌آمدگی دائمی فرا می‌خواند و احساس و عواطف نیز دعوت‌نامه‌ی آمادگی امضا می‌کند؛ دعوت‌های مدام و امضاهای مستمر؛ دعوت به حکم عقل و امضا به تأیید احساس و عواطف پاک

”

جامعه و به‌طور ویژه جامعه نظام آموزشی تکلیف دائمی دارد. این تکلیف دائمی مستلزم فهم دقیق علل و عوامل مسئله است.

ارتباط بین مشاوران را نیز نباید فراموش کرد. حقیقتاً ضرب‌المثل معروف و حکیمانه «یک دست صدا ندارد» پر مغز و پرمعناست. در جامعه مشاوران نیز یک مشاور، جدا از جامعه مشاوران کار تأثیرگذاری نمی‌تواند باقی بگذارد؛ زیرا هر مسئله روحی و روانی و تحصیلی-تربیتی، علاوه بر جنبه‌های فردی، صیغه اجتماعی دارد و برای مواجهه با آن نیز باید با مشارکت اجتماعی و با جامعه‌شناسان چاره‌اندیشی کرد. گاهی شور و مشورت مشاوران گره‌ها را باز می‌کند و امید را در دل جامعه زنده نگه می‌دارد. لذا باید ضمن درود و سلام به تک‌تک مشاوران عزیز به آنان گفت که مشاوره علاوه بر بعد تخصصی، به مشارکت اجتماعی و درایت گروهی نیز احتیاج دارد.

